

رسالت هنرمند

در این هنگام که فجایع و انحرافات نسل حاضر در تمامی اجتماعات، از جمله اجتماع ما به توفانی ترین مراحل خود رسیده است و جوانان ما در سیاهیهای مسموم شهوات و خودکامگی‌ها می‌لوند

در این زمان سیاه که همه روزه خبرهای شگفت‌انگیزی پیرامون قتل‌ها، قاچاق‌ها، خودکشی‌ها، سرقت‌ها، سوء استفاده‌ها و محاکمات و کلاء وزراء و ارتشدها می‌شنویم و می‌خوانیم و شاهد تلاش‌ها و چاره‌اندیشی‌های دولت‌ها و انجمن‌های نועدوست داخلی و خارجی بخاطر هدایت و ارشاد نسل جوان می‌باشیم، هستند افرادی که دور از سیاهیها و آلودگیهای قرن بسوی افق‌هایی روشن پیش می‌روند و از شمع جانشان شعله‌ها برافروخته، صادقانه فراراه مردم میدارند و تهی از شهوت نام و آوازه رسالت هدایتی بزرگ را عهده‌دار شده‌اند، آنها که آناهیتا را تشکیل داده‌اند از این افرادند، تلاش میکنند، از توفان‌های انحراف می‌گریزند، مشعل‌ها برمی‌افروزند و می‌خواهند برای مردم زندگی بهتری بسازند ولی هیچ گروه مسئولی بانگ یاری برنمیدارد و دست تأیید نمی‌افرازد.

آیا اندیشه و توان گروه آناهیتا در یک مسیر انحرافی کمتر از این دزدها و سوء استفاده‌چی‌هاست؟

آیا آفرینندگان آثار شکسپیر، تنسی ویلیامز، ایسن، الفرد ژری و لیلیان هلمن نمی‌توانستند موجد ثروت‌های سیاه و عامل چاپیدن‌ها باشند؟
و آیا دستگاههای مسئول هرگز در اندیشه حد ارزش این افراد روشنگر بوده‌اند؟ و نوع تأثیر هنر اینان را در روح مردم سنجیده‌اند؟
آیا میدانند برای ساختن افرادی چنین، انتظارهای طولانی، خرج‌های فراوان و شکیبائی‌های بزرگ لازم است؟

با زور و زر و در زمانی محدود نمی‌توان هنرمند ساخت چرا که هنرمند کالا نیست و روح یک هنرمند در لحظه و ساعت به اوج تأثیر خویش نمی‌رسد، تنها زمان می‌خواهد، زمانی پر از دانش و هدف، پر از نیرو و کار.
در اینصورت چرا اکثراً نسبت به خدمت‌ها، پشتکارها و لیاقت‌های آناهیتا بی‌تفاوت نشسته‌اید؟

چرا همه بیاری بر نمی‌خیزید؟ چرا در قعر بدبینی و هراس فرو رفته‌اید؟ آیا یاری کنندگان در سطح پائین‌تری از شعور اجتماعی و درک هنری قرار گرفته‌اند که بآنها تاسی نمی‌جوئید؟ اگر مسئولین مؤسسات هنری بچشم و گوش و ادراک خویش برای سنجش هنر این گروه اعتماد ندارند آناهیتا، گردانندگان خود را برای مصاحبه و مباحثه هنری و علمی در هر مجمع علنی با پروفیسور کوئین بی، (استادی که امروز در دانشگاه تهران تئاتر درس میدهد) آماده اعلام میدارد و شما را واسطه این ملاقات قرار میدهد تا با قضاوت این خبره آمریکائی اهمیت کیفیت هنری آناهیتا با ثابته بی‌تردید برسد و مورد قضاوت قرار گیرد.

آناهیتا برای نشان دادن افتخارات و غرورهای باستانی، برای تجلی اندیشه‌های انسانی و انسان‌های خلاق احتیاج به مکان دارد و برای تهیه چنین مکانی آوازه آغازیده، امیدها داده است.

ولی راندمان این آوازه‌ها و امیدها چه بوده است؟

ما بیش از هر گروه، به گروه هنرمندان امیدواریم ولی این امید کم کم بال‌هایش مقوائی میشود و دیگر با آن نمی‌توان بسوی آینده پروازی داشت. هنرمندان کشور ما که هنگام ارزیابی‌های هنری و اجتماعی اوج میگیرند و به مهتاب تکیه میزنند چرا امروز با چراغی که فرا راهشان افروخته‌ایم آینده را نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند ببینند؟ شاید در چهارچوب کهنه تنگ‌نظری‌ها و حسادت‌ها تصویر شده‌اند و کینه‌ها را پرورش میدهند.

چرا رسالت هنرمند را فراموش کرده‌اند و مفهوم هنر را در انبوه آوازه‌های بی‌ثبات و موفقیت‌های بی‌سرانجام به نیستی کشیده‌اند؟

هنرمندان عزیز: باور کنید اگر خودخواهی‌های هنری و غرورهای نابسامان خود را رها کنیم، و به تسریع جنبش‌های اصیل و اساسی هنری کشورمان بپردازیم بی‌شک آینده‌ای سپید و پیروز خواهیم داشت این خود گام وسیع و پر رسالتی است. آن‌هایتا با وجود تمام کلاف‌های سردرگمی که پیرامون خود دارد، باز تقویت گام‌برداری‌های هنری را فراموش نکرده نمودار گروهی آشنا به وظایف صنفی و هنری خود بوده است تا دیگران را به وظیفه‌های خود آشنا سازد. تنها تقدیر مردم و مطبوعات که نمی‌تواند ضامن اجرای طرح بزرگ و تاریخی آن‌هایتا باشد.

با تقدیر و تشویق که نمی‌توان تئاتر ساخت، با یک مشت واژه دلپسند که نمی‌توان برای هنر تئاتر نوین و علمی ایران تجلی‌گاهی جاودان ساخت، باید گروه‌های پیشرو را از تمامی جهات یاری کرد و این تنها راه موجود برای دنیائی بهتر است.

چرا باید مهندس هوشنگ سیحون معمار بزرگ و هنرمند کشور در برابر شگفتی نسل حاضر طرح ساختمان را که خود علاوه بر ارج‌های معنوی واجد ارزشی معادل ۲۰۰ هزار تومان است، بعهده بگیرند ولی شما که هنرمند و هنرپیشه نام گرفته‌اید از یاری بیهیزید؟

تاکنون مبلغ ۲۳۱۹۸۰ ریال نقداً وسیلهٔ مردم پرداخت گردیده، در حدود یکمیلیون ریال از طرف کمیته‌ها و مؤسسات مختلف تعهد شده، ادارهٔ هنرهای دراماتیک مبلغ یکصد هزار ریال ارائه داده ولی تلاش‌های دیگری صورت نپذیرفته و فعالیت‌های آن‌هایتا هم در این مورد کم اثر مانده است.

اگر هنرمندان «هنرپیشگان، موزیسین‌ها، شعرا، نویسندگان، نقاشان و ...» با پی‌گیری‌ها و یاری‌های خود نتوانند افراد مسئول را با ثمره‌های این طرح نوین آشنا سازند و نیروهای مقدور آنان را در مسیر مساعدت به آن‌هایتا برانگیزند، این توان از کدامین گروه دیگر ساخته است؟

ما به شدت آگاهیم که اگر حتی یک جهان‌بینی نسبی هم در هنرمندان ما موجود باشد از طریقه‌های ممکن و متفاوت در اجرای تصمیم آن‌هایتا شرکت خواهند جست، دیگر نشست‌ها و لحظه‌ها را با تردید تصمیم گرفتن‌ها آلوده کردن تهی از هرگونه مثبت‌بینی است. دیگر چه نشسته‌اید؟ لحظه‌ای به این سکون دردناک بیاندیشید!

آناهیتا